

عنوان مقاله:

بررسی ابعاد تشکیل دهنده مقیاس شهری با رویکرد روانشناسانه و جامعه شناسانه به هویت مکانی

محل انتشار:

چهارمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسنده:

معصومه چهار محال - کارشناسی ارشد شهرسازی

خلاصه مقاله:

حس تعلق مکان به پیوند فرد با بافت منجر میشود و فرد براساس تجربه های خود از نشانه ها، معانی، عملکردها و شخصیت نقشی برای بافت در ذهن خود متصور میسازد، این نقش نزد او منحصر به فرد بوده و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام میشود. در این حالت است که میتوان به فضا کیفیت بخشید. به این ترتیب با بالا بردن حس تعلق به مکان در خانه سالمندان میتوان سازگاری سالمندان با این اماکن را افزایش داد و به ارتقاء کیفیت زندگی آنان کمک کرد که لازمه آن طراحی براساس نیازها و خواسته های شهروندان توجه به تجارب گذشته آنان است. از آنجایی که خصوصیات انسان تعامل همیشگی با محیط است، شاید بتوان گفت بناهای مسکونی از بدو تاریخ پیدایش بشریت همواره در حال تغییر و تطور بوده اند و مهمترین ویژگی که همیشه مورد توجه قرار داشته است افزایش حس تعلق به مکان بر حسب سیر تاریخی آن است. از آن جایی که معمار نیازهای فرد و در نهایت جامعه را به خوبی آگاه است می تواند برای این نیازها راه حل ارائه دهد. این نیازها او را در جهت طراحی با امکان ایجاد حس تعلق به مکان که مشوق حضور و تداوم در مراجعه مجدد به فضاست یاری می کند. همچنین اقلیم های مختلف موجب تعاملات اجتماعی متفاوت میگردد و می بایست بر اساس هر اقلیم و نیازهای متفاوت آن به گونه ای دست به طراحی بناهای مسکونی زد که بیشترین حس تعلق به مکان در این گونه از بناها ایجاد گردد. در راستای شناخت رابطه معماری با روان فرد و حد تاثیر آن بر فرد بررسی شود. ایجاد فضای آرام و دور از تنش و التهابات روانی و متاثر از وابستگی های شخصیتی، شهروندان را به ادامه زندگی تشویق نموده و از آنان عناصر زنده و پویا و خودجوش میسازد و سبب میشود این قشر به نیاکان و فراموشی سپرده شده جامعه نقش خود را بازیابند، پس میتوان نتیجه گرفت فضا و معماری نقش اساسی در این زمینه ایفا میکند.

کلمات کلیدی:

بناهای مسکونی، حس مکان، تعلق به مکان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1511949>

